

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: ژان میشل ورنوشه
برگردان از: حمید محوی
۲۴ جون ۲۰۱۳

ایران، تخریب ضروری

بخش ۱۴



ضمیمه ۲

اگست ۲۰۰۹ - عراق/ایران

سه شنبه ۲۸ جولای ۲۰۰۹، پایگاه سازمان مجاهدین خلق ایران توسط نیروهای دولت عراق اشغال شد. سازمان مجاهدین خلق ایران (۷۸)، یک سازمان نظامی و مذهبی است که ابتداء مورد حمایت صدام حسین قرار گرفت، و پس از سقوط دیکتاتور خلع سلاح شد. ولی نیروهای اشغالگر آنگلو ساکسون این سازمان را گرم نگهداشتند. نومبر ۲۰۰۸ بر اساس توافقات امنیتی بین واشینگتن و بغداد، کنترل اردوگاه آنها به نیروهای عراقی واگذار شد. در بهار ۲۰۰۳، تقریباً ۲۴۰۰ مبارز آموزش دیده و قویاً منظم (دیسپلینه) مثل جسد بی جانی به نظر می رسید، مجاهدین هنوز امکانات تهاجمی سنگین، توپخانه و خودرو زرهی در اختیار داشتند و نیروی تهاجمی عملیاتی مستقلی را تشکیل می دادند که می توانست علیه ایران وارد کار زار شود، همان گونه که در تابستان سال ۱۹۸۸ پیش از قرارداد آتش بس بین بغداد و تهران، با نام کد «فروغ جاویدان» به ایران حمله کردند. اگر چه نام این سازمان در فهرست سازمان های تروریستی به ثبت رسیده، ولی امروز به شکل آشکار و بیش از هر زمان دیگری از پشتیبانی های سیاسی پایتخت های بزرگ اروپائی برخوردار است. به همین گونه در واشینگتن، جایی که گروه های فشار نهادینه، که به شکل فوق العاده ای سازماندهی و فعال شده اند، مانند شورای ملی مقاومت، در پشت ویتزین اردوی تهاجم به جمهوری اسلامی با افتخار به نمایش گذاشته شده است. سخن گویان رسمی این سازمان جایگاه مهمی در شبکه صدای امریکا دارند که برنامه هایشان به مقصد ایران از سد های پرازیت ایران عبور می کند.

حتی پیش از انقلاب ۱۹۷۹، در دورانی که زیبایی‌گنیف برژینسکی به جیمی کارتر توصیه می‌کرد که شاه را رها کند - وقتی که شاه در فکر دوباره ملی کردن بخش نفتی بود، ایالات متحده از همان دوران - احتمالاً - پشتیبانی‌هایش را از این سازمان در چشم انداز «جمهوری ایران با رویکرد فدرالیسم» آغاز کرده بود. گزینش «فدرال» به روشنی در منشور متشکل‌کننده جریان مجاهدین خلق به ثبت رسیده و منطق ضمنی این سازمان بر اساس طرح تجزیه کشور ایران به چندین منطقه مستقل است. می‌بینیم که با وجود شکست آشکار سیاست امریکا در این سی ساله گذشته در ایران و در منطقه (شکستی که هیچ کس در نفی آن پافشاری نمی‌کند) به هیچ عنوان از اهداف عمومی خود قطع نظر نکرده است. با وجود شکست، امریکا نه تنها تغییری در طرح اولیه خود ایجاد نکرده، بلکه به هر قیمتی که شده راه خود را می‌پیماید. طرحی که در بازگشائی پرونده هسته‌ئی ایران از طریق سازمان مجاهدین خلق و شورای ملی مقاومت به سال ۲۰۰۴ بال و پر تازه ای پیدا کرد، و مطمئناً چنین امری یک تصادف یا رویداد اتفاقی نبود.

بنابر این، به نظر می‌رسد که تنها ملاحظات بشر دوستانه نبوده که موجبات حفظ و نگهداری یگان‌های مجاهدین، البته خلع سلاح شده، در کردستان عراق را فراهم آورده است، تا ۲۸ جولای ۲۰۰۹ در متن باز سازی رویکرد سیاسی امریکا در رابطه با ایران، در حالی که پارلمان عراق از جون ۲۰۰۷ به تخلیله پایگاه آنها رأی داد. با این وجود حفظ یک نیروی با تجربه جنگی، اگر چه خلع سلاح شده، ولی با قابلیت فعال سازی مجدد آن توسط دولت امریکا، یکی از وجوه پرونده است که باید در ذهنمان حاضر داشته باشیم. یعنی نیروی کمکی آموزش شده و دیسیپلینه، که ظرف مدت کوتاهی قادر به انجام عملیات بوده، و بتواند در خاک ایران در عملیات نظامی شرکت داشته باشد، به عبارت دیگر واقعه ای که مشابه آن در سال ۱۹۸۹ پیش از امضای قرارداد آتش بس روی داد. اگر چه حمله مجاهدین در آن دوران با شکست سختی روبه رو شد.

هیچ مانعی وجود ندارد که فکر نکنیم که چنین اقداماتی به مناسبت بحران سیاسی و یا نظامی تکرار نشود، و حتی در صورت بالا گرفتن منازعات، به موازات عملیات پژاک با پشتیبانی حزب کار کردستان به هدف گشایش یک جبهه تازه مقابل خطوط امنیتی ایران در جناح غرب. فرضیه ای که به هیچ عنوان پوچ نیست، زیرا نقاط اغتشاش دیگری را نیز می‌توانیم هم زمان در خوزستان و بلوچستان در نظر بگیریم.

در این مورد باید اضافه کنیم که از طریق پایگاه اشرف، سازمان مجاهدین خلق عملیات شنود ارتباطات (نظامی و سیاسی) ایران را در ادامه مأموریت‌هایش پیش از سال ۲۰۰۳ برای رژیم بعثی و سپس برای پنتاگون به عهده داشته است. سازمان مجاهدین با استفاده از شبکه‌ها و پل‌های ارتباطاتی در کلاس سیاسی غرب، قادر به تزریق اطلاعات به دست آورده از طریق کانال‌های موازی مانند آژانس امنیت ملی (ان اس آ - امریکائی) یا شاباک (سازمان اطلاعات و امنیت داخلی اسرائیل) می‌باشد و به این وسیله به منابع اصلی اجازه می‌دهد که در سایه باقی بمانند.

در واقع نقش مجاهدین خلق، نقش جمع آوری اطلاعات ستراتیژیک است، ولی نقش پخش کننده و پل اطلاعاتی و اتاق اکو (ابزار الکترونیکی برای به تأخیر انداختن ارسال صدا و ایجاد توهم برای شنونده که آن را به شکل ارتعشات صوتی می‌شنود...) را نیز به عهده دارد، و در چهار چوب ستراتیژی غیر مستقیم برای ایجاد تمهیدات مرتبط به تغییر رژیم و ارزیابی ملت ایران برای همسویی با فدرالیسم بازار، کاربرد پیدا می‌کند.

در مورد منابعشان، مجاهدین خلق اعلام می‌کنند که از فروشندگان اطلاعات ستراتیژیک، و به ویژه از بازار آزاد تصاویر ماهواره ای استفاده می‌کنند. بر این اساس، نخستین افضاءگری‌ها در رابطه با برنامه هسته‌ئی ایران، به تاریخ ۱۴ اگست ۲۰۰۲ از طریق علی رضا جعفرزاده، تحلیل گری که به خدمت فاکس نیوز درآمده و عضو مجاهدین خلق می‌باشد، منتشر شد. به همین گونه، علی صفوی، که او نیز عضو مجاهدین خلق است، به سال ۲۰۰۳ در لندن مرکز تحقیقاتی خاورمیانه (۸۰) را ایجاد کرد که برنامه او روی مسائلی مانند «حقوق بشر، تهدیدات منطقه‌ئی مانند تروریسم

و گسترش هسته‌ئی، گسترش تمایلات افراطی مذهبی، ایجاد دموکراسی و مشکلات اقتصادی» متمرکز است، طی اگست ۲۰۰۲ کلیشه‌های ماهواره‌ئی مرتبط به زباله‌های اتمی ایران را در وین به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تحویل می‌دهد. این تصاویر ماهواره‌ئی نخستین اقداماتی را که تا امروز در عرصه‌ بین‌المللی ادامه یافته‌ علیه ایران راه اندازی می‌کند. اردوی بین‌المللی علیه برنامه هسته‌ئی ایران به گفته‌ وزیر امور خارجه فرانسه، کوشش در سپتامبر ۲۰۰۷ مجموعه مدارکی را تشکیل می‌دهد که می‌تواند به جنگ بینجامد.

با این وجود، از تاریخ ۳ دسمبر ۲۰۰۷، گزارشات مرتبط به تهدید برنامه هسته‌ئی ایران می‌تواند یکی از عناصر تحریف خبری در چهارچوب طرح تغییر رژیم در ایران و بی‌ثبات سازی جمهوری اسلامی ایران باشد. به همان شکلی که پیش از این مطرح کردیم، در چهار چوب نظریه تغییر رژیم در ایران، مجاهدین خلق می‌توانند جایگاه خاصی داشته باشند - دست کم در مرحله گذار - در ساخت و ساز دولت فدرال ایران که یکی از نظریات بنیادی و درونی این گروه می‌باشد.

سازمان مجاهدین خلق ایران مانند حزب کار کردستان به عنوان سازمان نظامی (در سالون پستی ویتترین سیاسی که برگزیدگان اروپائی با آن آشنائی بیشتری دارند) به روشنی یکی از عناصری است که ایالات متحده در جنگ پنهانی برای تخریب قدرت ایران در اختیار دارد. در اینجا موضوع یک نظریه ساده مکتبی نیست، بلکه موضوع به تمایل کاملاً مشخصی در زمینه جغرافیای سیاسی مرتبط می‌باشد که در متن دراز مدت به ثبت رسیده و ما امروز نتایج آن را می‌بینیم، با نمونه بارزی که دولت امریکا در مورد پرونده بالکان نشان داد «در واقع، تنها به پانزده سال نیازمند بود تا فدراسیون یوگوسلاوی، قدرت منطقه‌ئی و فروشنده اسلحه به عراق یعنی را از بین ببرد و به استقلال کوزوو در فوریه ۲۰۰۸ جامعه عمل بپوشاند.»

سازمان مجاهدین خلق اگر چه از پایگاه پشت جبهه پیشگام خود در خاک عراق محروم مانده است، با این وجود به دلیل نفوذ طبقه سیاسی غرب و امریکای شمالی در آن، به عنوان یک کارت مهم ذخیره شده (با قطع نظر از اردوگاه اشرف که آگاهانه بسته شد، یعنی در زمان مناسب بر اساس برنامه وزارت خارجه) زیرا می‌تواند برای اجرای همان نقشی فراخوانده شود که کنگره ملی عراق به عهده داشت و برای حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ به عنوان ابزار کار واشینگتن و توجیه قانونی تجاوز به خاک عراق به کار برده شد. چنین امری مستقل از درخواست صد و سه نماینده اروپائی از اوباما که از تصمیم اروپا پیروی کند و نام سازمان مجاهدین خلق را از فهرست سازمان‌های تروریستی خارج سازد.

۱۷ فبروری ۲۰۰۷ - سازمان مجاهدین خلق ایران، ابزار سیاسی و نظامی در خدمت ایالات متحده

هر جنگی با جنگ کلمات و بمباران افکار عمومی آغاز می‌شود تا آن را بقبولانند، و حتا به نظریه و تأیید جنگ جذب کنند (همیشه عادلانه و قابل توجیه)، سپس پذیرش قربانی متقابل که مالی باشد یا جانی. که افکار عمومی بتوانند قربانیان اجتناب ناپذیر را بپذیرند. از یکسو جوانان ما و از سوی دیگر کشتار و تلفات سنگین شهروندان.

هر تبلیغی نیازمند تداوم است، به ویژه در ایالات متحده، کشور تبلیغات و سیاست، تولید ناب ماشین جنگ رسانه‌ئی و هالیوودی. ایالات متحده، کشوری که هر جنگی، جنگ دیگری را آماده می‌کند، و عادت بر این است که گزارشات دولت (سرویس‌های اطلاعاتی) با شاهدان عینی و تحلیل‌گران اتاق‌های فکری تکمیل شود، و روزنامه‌نگاران بزرگ که همگی مخترع به دریافت مدال پولیتزر، آن را همراهی کنند.

با این وجود باید یاد آوری کنیم که غالباً، گزارشاتی که تصمیمات مهم سیاسی را پوشش می‌دهد، در رسانه‌ها و یا در شورای امنیت و در عرصه عمومی به شکلی عرضه می‌شود که تماماً خلاف نسخه اصلی گزارشات است، به عنوان مثال در رابطه با پرونده عراق، سلاح کشتار جمعی یا القاعده را مطرح کرده بودند. در این مورد تغییرات دائمی

مدیران و رؤسای سازمان سیا خیلی معنی دار و آشکار کننده وضعیت نامناسب روانی مسؤلان و خدمه های آن می باشد.

بین شاهدان بیرونی، در همکاری با تحلیل گران دولتی، نمونه احمد چلبی را داشتیم که دولت امریکا با سخاوتمندی تمام از او قدر دانی کرد، یعنی در حد چند صد میلیون دالر پیش از ۲۰۰۳. وزیر نفت و معاون نخست وزیر در عراق جدید دموکراتیک بین سالهای ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶، ولی چلبی فوراً به دلیل آشکار شدن سابقه کلاهبرداری تاریخی، از قدرت کنار گذاشته شد. در نتیجه، چلبی منبع اصلی، مأمور اطلاعاتی اصلی کاخ سفید در مورد فرضیه سلاح کشتار جمعی در عراق بود، به عبارت دیگر جنگ به اعتبار گزارشات او آغاز شد. در این جا یادآوری کنیم که این آدمهای چلبی بودند که مجسمه صدام حسین را از روی ستون به شکل نمادینه جلوی هتل فلسطین سرنگون کردند، حادثه ای که نشریات بین المللی هنوز هم حاضر به پخش مونتاز آن هستند، البته مونتاز خیلی آشکار، تظاهر کننده هائی را نشان می دهد که علیه رژیم ابراز احساسات می کنند، ولی در واقع، اگر به مدل موها و چهره تظاهر کننده ها دقت کنیم، می بینیم که این افراد عراقی عراق نیستند، بلکه از اهالی فلوریدا هستند. این موضوع را، مسلماً هیچ یک از گزارشگران بزرگ ندیدند.

امروز چلبی جدیدی از راه رسیده و نامش مریم رجوی است، رئیس سازمان مجاهدین خلق ایران، منبع انحصاری دولت امریکا در مورد کارخانه غنی سازی نطنز (یک مهندس در تهران به دلیل خیانت محکوم می شود)، کارخانه در حال حاضر با چند صد سانتریفوژ فعالیت می کند، و نه چهل یا پنجاه هزار که برای غنی سازی اورانیوم نظامی ضروری می باشد. در نتیجه می توانیم بگوئیم که ایران برای ساخت بمب اتمی آماده نیست، و از سوی دیگر باید بپرسیم «برای چه کاری؟ همان گونه که ژاک شیراک به درستی در این مورد مطالبی مطرح کرد و موجب سر و صدای زیادی در رسانه ها شد.

مهمتر از افشای موضوع هسته ئی، سازمان مجاهدین خلق در زمینه بهانه تراشی برای جنگ فعال است، و آب به آسیاب آنهایی می ریزد که در واشینگتن ایران را به آتش بیار جنگ داخلی در عراق متهم می کنند و مدعی هستند که ایران به شبه نظامیان شیعیان و حتی به اهل سنت اسلحه می دهد، و بر این اساس جان سربازان امریکائی را به خطر می اندازد، یعنی جنایت نابخشودنی در شیوه بیانی احساسات میهن پرستانه گفتار رسمی و سریال های تلویزیونی. با این حساب، بی دلیل نیست که همزمان با امضای فرمان رئیس جمهور جرج بوش برای حذف تمام مأموران فعال ایرانی در خاک عراق، شورای ملی مقاومت، همذات و نام مستعار مجاهدین خلق، در پاریس و برلن فهرستی از نام ۳۱۶۹۰ نفر از مأموران ایرانی و آنهایی که با ایران همکاری می کنند و در تمام سطوح دولت عراق، ارتش و پولیس فعال هستند منتشر می کند. هدف گرفتن این همه آدم برای قتل، خارج از قانون در سطح گسترده، تحریک در چنین ابعادی به هدف ایجاد زنجیره ای از اعمال انتقام جویانه و تلافی جویانه بین جوامع مذهبی، یعنی خون ریزی بیشتر و کشتار بیشتر در عراق، کشوری در مرز انفجار و فروپاشی.

به گزارش سخنگویان سازمان مجاهدین خلق/شورای ملی مقاومت (۲۷ جنوری ۲۰۰۷ در روزنامه خاورمیانه در رادیو بین المللی فرانسه) : «این فهرست حاوی افرادی است که وابسته به نیروهای ویژه قدس سپاه پاسداران انقلاب هستند [...] و نام و رتبه و نام یگانی که به آن تعلق دارند، و حتی میزان حقوقی که دریافت می کنند در این فهرست قید شده است. در این اسامی فهرست منتشر شده به ویژه نام شش تن از اعضای پارلمان عراق، معاونان وزیر، مقامات عالی وزارت دفاع و وزیر امور داخلی، مسؤل گمرکات بصره، حاکم بغداد یا شهرهای دیگر [...] را می بینیم. غالب افرادی که نام و مشخصاتشان در این فهرست به ثبت رسیده از اعضای تیپ بدر هستند که به پیکره نیروی قدس [وابسته به سپاه پاسداران انقلاب] تعلق دارد و توسط عبدالعزیز حکیم در عراق هدایت می شود...».

فهرست پاکسازی و اخراج به هدف تغذیه جنگ داخلی سایه آسا و در عین حال تشدید شکست امریکا، شکست تحمل ناپذیر برای قدرت حاکم که اندک اندک ایران باید به عنوان تنها مسوول چنین وضعیتی محکوم شود. روند اتهام زنی و مشخص نمودن مقصر، سوء قصد بزرگی که می تواند با مداخله ایالات متحده انجام گرفته باشد، این موضوع را مشاور سابق وزارت دفاع در دوران جیمی کارتر مطرح کرده است و زبیبگنیف برژینسکی نیز چند روز پیش برای حضور در سنای امریکا فراخوانده شد. برژینسکی حتی دورتر رفته و به شکل ضمنی گفته است که دولت امریکا احتمالاً الهام بخش و حتی سازمان دهنده چنین سوء قصدهایی بوده است.

برژینسکی معمار بزرگ جنگ های کشور گشایانه برای امپراتوری نوین، روشن است که از پست خود استعفاء نداده است، ولی او کارشناسی است که راه و روش هائی را که خیلی اتفاقی و خطرناک به نظرش می رسد محکوم می کند. با این وجود مشخصاً یادآور شویم که اختلاف نظر و برخورد در جبهه نئو محافظه کاران، و به همین گونه در جبهه دموکراتها در واقع به گزینش راه و روشها مرتبط می باشد و نه اهداف.

اگر تحریکات ساخت امریکا در ایالات متحده مداخله نمی کند، در فرانسه می تواند مانند الکتروشوک نهائی در انتخابات به نفع تنها نامزد نظم آتلانتیک عمل کند، زیرا پاریس (پس از مادرید و لندن) در تهدید سایه آسای گروه سلفی مذهبیان واقع شده که اعلام جهاد کرده اند، و ۲۵ جنوری گذشته به سازمان القاعده در مغرب اسلامی پیوسته اند. سازمانی که در مکان نامیده شده، هر بار که بخواهند به افکار عمومی نیش بزنند، آن را فرامی خوانند.

یادآوری کنیم که، نشانه خاصه معنی دار و حتی نگران کننده ۲۸ سپتمبر ۲۰۱۲، ایالات متحده نام مجاهدین خلق را از فهرست سازمان های تروریستی حذف کرد که قدمت آن به سال ۱۹۹۷ باز می گردد. بر این اساس می توانیم تصور کنیم، مجاهدین رسماً تأمین مالی شده و مجهز می شوند تا در مرزهای جمهوری اسلامی به مأموریت های جنگی شورشگرانه گسیل شوند، در یک قدمی مرزی هستند که هیچ یک هنوز از آن عبور نکرده اند.

پی نوشت :

۷۸) سازمان مجاهدین خلق ایران خود را به عنوان جنبش مقاومت مسلحانه علیه رژیم ملاحا معرفی می کند. در آغاز این جریان با ایدئولوژی التقاطی [مارکسیسم اسلامی] علیه سلطنت پهلوی مبارزه می کرد، بعدها موضع گیری آنها افراطی تر شد و پس از همکاری با انقلاب اسلامی طی سال ۱۹۷۹، تا اقدامات تروریستی علیه منافع ایران پیش رفتند. اعمال تروریستی به ویژه از تاریخ مهاجرت این گروه به معبد عراقی یعنی قرارگاه اشرف افزایش یافت، و از پشتیبانی رژیم بعث عراق برخوردار گردید. این سازمان از تاریخ می ۲۰۰۲ توسط اتحادیه اروپا در فهرست سازمان های تروریست قرار گرفت، ولی به یمن لابی گری (به عنوان مثال با پیوستن به نخست وزیر و کمیسر اروپائی ادیت کرسون) در سال ۲۰۰۹ خود را از این برجسب توهین آمیز رها ساخت، اگر چه بر چسب تروریسم در مورد آنها به شکل گسترده مناسبت داشت. یادآوری کنیم که در سال ۱۹۷۱ مجاهدین خلق ایران با آغاز مبارزه مسلحانه ۶ مستشار امریکائی را به قتل رساندند. ۲۸ جون ۱۹۸۱ سوء قصد تروریستی علیه رهبران جمهوری اسلامی را بازشناسی کردند. در این اقدام تروریستی آیت الله بهشتی و چهار وزیر، شش معاون وزیر و چهار نفر از اعضای پارلمان حزب جمهوری اسلامی، و سرانجام یعنی هفتاد و دو نفر کشته شدند. این سازمان تروریستی و مذهبی، در جون ۲۰۰۳ پس از بازداشت رهبرانشان در تبعید در اوور- سور- لوآز در فرانسه، با اقدامات قاضی ضد تروریست ژان لونی بروگیر موجب موجی از اعتراض هواداران همراه با خود سوزی در پاریس و رم، لندن، بروکسل روبه رو شد. قربانیان فناتیک و هدایت شده بودند که در فرانسه در بهار ۲۰۰۷ به موضوع دادگاه تبدیل شد.

۷۹) پایگاه اشرف در سالهای ۱۹۸۰ در ولایت دیاله ساخته شد، و در فاصله ۱۰۰ کیلومتری بغداد و ۸۰ کیلومتری مرز ایران واقع شده است.

80) Near East Policy Research

گاهنامه هنر و مبارزه

۲۲ جون ۲۰۱۳